

## تعارض فرهنگی در جامعه گرجستان

امروز کشورهای قفقاز در پی دستیابی به راه و روشی متفاوت برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و نیز الگوی فرهنگی مناسبی بجای الگوهای پیشین هستند. عدم آمادگی قبلی برای استقلال همراه با تحولات جهانی این کشورها را به گرایشهای متعارضی در تعریف از فرهنگ خودی روبه‌رو ساخته است و دنیای غرب با درک این واقعیت از خلاء فرهنگی موجود بهره‌جسته و در پوشش دموکراسی آرا و عقاید خود را القا می‌نمایند.

بلشویکها بعد از دستیابی به قدرت در سال ۱۹۱۷ در فاصله زمانی ۵ سال موفق شدند که سلطه خود را بر تمامی پهنه روسیه تزاری بگسترانند و قدرت خود را در چارچوب مرزهای امپراتوری استحکام بخشند.

بلشویکها از آغاز رسیدن به قدرت، با مسئله ملیتها روبه‌رو بودند و کمتر رهبری از رهبران شوروی را می‌توان یافت که در خصوص مسئله ملیتهای ساکن مجموعه شوروی سخن نگفته و دست به اتخاذ سیاست خاصی نزده باشد. مسئله ملیتها در شوروی در حقیقت اساسی‌ترین مسئله و مشکل هیأت حاکمه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جهت ایجاد نوعی هدایت و وحدت ملی در کلیه جماهیر بوده و بیش از ۷۰ سال همانند آتش زیر خاکستر در انتظار شعله کشیدن بوده است. موضوعی که درک ما را از فرآیند هویت سیاسی در شوروی سابق بالا می‌برد، توجه به مفهوم «انسان نوین سوسیالیستی» است. این مفهوم که اساس تثوریک فرآیند هویت سیاسی در سطح شوروی سابق را به نمایش می‌گذارد عمدتاً در دهه‌های آخر حیات آن نظام ارائه شد.

مفهوم انسان نوین سوسیالیستی، زیربنای فکری، آموزش و پرورش جدید، فرهنگ و هنر و مبانی نظری رفتار اجتماعی محسوب می‌شد و همه اقدامات فرهنگی باید به نحوی در تربیت چنین انسانهایی فعالیت می‌کردند. به عنوان مثال سینمای شوروی فیلمهایی را ترویج می‌کرد که بتواند در پروسه انسان نوین سوسیالیستی سهمی داشته باشد. اما در عمل انسان نوین سوسیالیستی نه تنها پایه عرصه وجود نگذاشت، بلکه گسلهای اجتماعی فراوانی در جامعه شوروی ایجاد شد که به لختی و گندمی بیش از حد تصور در دوران برژنف و نهایتاً به فروپاشی در دوره گورباچف انجامید.

با کسب استقلال جمهوری‌های شوروی سابق از جمله گرجستان، جایگزینی نظام نوین فرهنگی با عطش جامعه توأم و مکانیزم آن انتقال و گذر از سوسیالیسم با تعریف اصالت جامعه به اومانیزم با دیدگاه انسان‌مداری بوده است و ماحصل این چرخش پدیداری نوعی تعارض در فرهنگ عمومی جامعه می‌باشد.

البته رشد چنین پدیده‌ای مختص جامعه گرجستان نمی‌باشد؛ بلکه اصلاً روند توسعه در جوامعی که دارای بافت سنتی هستند باعث ایجاد مشکلات فرهنگی می‌شود. بدین‌گونه که در چنین جوامعی خرده فرهنگ به وجود می‌آید که هریک دارای ارزشها، رغبتها و سلوکهای اجتماعی مخصوص است که با ارزشها و هنجارهای سنتی جامعه در تعارض است از این رو طیف وسیعی از افراد دچار ناهنجاری ادراکی می‌شوند به این معنا که رفتار آنان تلفیقی از دو فرهنگ می‌باشد و رفتاری دوگانه دارند.

در شکل‌دهی به افکار عمومی و تزریق خرده فرهنگ، نقش وسایل ارتباط جمعی (خصوصاً سینما و تلویزیون) به لحاظ سهولت برقراری ارتباط با اقشار مختلف جامعه از اعتبار خاصی برخوردار است.

به‌عنوان مثال، امروز در تمام سینماهای گرجستان بویژه تفلیس فیلمهای وارداتی از غرب با مضامین متفاوت با بافت فرهنگ سنتی جامعه در حال نمایش است. فیلمهای گرجی به‌دور از جاذبه‌های گیشه‌ای غرب و فقدان تکنولوژی مدرن در صنعت سینما حتی در تلویزیون ملی این کشور جایی ندارند.

کشورهای غربی با پشتوانه سرمایه‌های عظیم و هنگفت مالی و با تکیه بر جاذبه‌های جنسی و خشونت و هیجان و نیز با اتکا به نفوذ سیاسی خود در تهیه و توزیع فیلمهای جذاب و گیشه‌ای و متفاوت به جنگ فرهنگ و هنر کشورهای جهان سوم شتافته تا از این راه زمینه فرهنگی نظم نوین فراهم آید.

سیامک برهانی